

## صعود به توچال و شهبانی بر روی قله و برگشت از پیازچال به تاریخ ۲۲ و ۲۳ مرداد ۸۸ (پیش برنامه دماوند)

به نام خالق کوه؛ که می چکد سمفونی رودهایش چون پژواک اعتماد در جان هم‌نوردم

موقعیت جغرافیایی قله:

قله توچال (۳۹۷۰ متر) و کوهستان پیرامون آن به صورت یک خط الرأس شرقی-غربی در جناح جنوبی رشته کوه های البرز مرکزی و در شمال شهر تهران قرار دارد. این کوهستان از شمال به دره رودخانه های جاجرود و شهرستانک و از غرب توسط خط الرأس کم ارتفاع تری به قله شمالی کوه های کرج متصل می باشد.

بررسی توپوگرافی (موقعیت طبیعی) قله:

بلندترین ارتفاع شمال تهران از طریق شانه غربی خود موسوم به هومند به ارتفاع ۳۹۰۰ متر به گردنه ۳۷۰۰ متری شهرستانک و سپس به قله شاه نشین بزرگ به ارتفاع ۲۸۵۰ متر متصل می شود و از سمت شرق توسط خط الرأس فوسی شکل پس از تشکیل قله پیازچال و لزون از طریق گردنه کوتاه لویپنه به قله دارآباد ارتباط می یابد. قله از طریق جناح شمالی هومند به قله قزوینچال و یال های فرعی منطقه آهاریشم و شهرستانک منتهی می گردد این خط الرأس شمال توچال را از طریق قله قلعه دختر و سی چال به گردنه دیزین و سایر بلندی های البرز مرکزی متصل می سازد.

اولین صعود زمستانی به قله ی توچال را آقای جلیل کتیبه ای انجام داده اند.

گزارش برنامه:

طبق تقویم، این برنامه در ابتدا توچال به شهرستانک بود. اما با توجه به تعداد ثبت نام کنندگان و تغییر سرپرست برنامه یک هفته مانده به برنامه ، مسیر لزون برای بازگشت انتخاب گردید.

مسیر صعود: میدان سرپند- پناهگاه شیرپلا (۲۷۵۰ متر)- جانپناه سیاه سنگ (امیری)- قله توچال

مسیر فرود: قله توچال-دشت پیازچال - پناهگاه کلکچال (۲۶۰۰ متر)- پارک جمشیدیه

ساعت ۱۳:۴۰ حرکت خود را از میدان سرپند از طریق مسیری کاملاً مشخص در سمت شمال غربی میدان به سمت شمال آغاز می کنیم. آبادی کوچک «پس قلعه» را در زیر پایمان مشاهده می کنیم. ، هوا خیلی گرم می باشد به قول آقای نژاد قلی «از سیاست های گروه که همیشه ساعت ۱۴ در گرمترین نقطه ی مسیر باشیم.» از کنار قهوه خانه ها و رودخانه ادامه ی مسیر می دهیم. آبشار پسنگ را نیز پشت سر گذاشته و به دوراهی اوسون میرسیم. هنوز خبری از دوستی که قرار بود با کمی تأخیر ما را همراهی کند نیست. به همین دلیل با سرعت کمتری حرکت می کنیم. به سوی آبشار دوقلو و پناهگاه شیر پلا حرکت می کنیم که به فرمان سرپرست در مکان خنکی منتظر خانم مقدم می مانیم سرپرست نیز به دنبال ایشان می روند. پس از حدود ۲۰ دقیقه هر دو به ما می پیوندند. با برداشتن آب از چشمه و تقسیم چادر همراه خانم مقدم ساعت ۱۷ به سرقدمی آقای ثامنی ادامه ی مسیر می دهیم به دلیل اینکه از زمان بندی عقب هستیم در شیر پلا توقفی نداریم و به سمت جان پناه امیری می رویم.



در راه در یکی از استراحت ها جلسه ی معارفه ی خیلی کوتاهی برگزار کرده و به خاطر خوردن پودری که آقای ثامنی از کوبیدن انواع تنقلات و آجیل تهیه کرده بودند با انرژی دو چندان حرکت می‌کنیم. به دلیل اینکه این برنامه اولین برنامه ی کوهنوردی من می‌باشد کمی برایم دشوار است اما با راهنمایی ها و کمک های سایرین مشکل خاصی ندارم. نزدیک جانپناه امیری هستیم که صدای "ماشاءالله پلی تکنیک" توجه همه ی ما را به سوی جان پناه جلب میکند. بله هم‌نورد دیگری از خطه ی قهرمان پرور پلی تکنیک در امیری منتظر ماست که قبلاً با سرپرست هماهنگ کرده بود. ساعت ۲۰ به جان پناه رسیده و از چشمه ی نزدیک امیری آب برداشته و به سمت قله پیش می‌رویم. هوا تقریباً تاریک شده است و آسمان بی نظیر است. دوستان به خاطر من با سرعت کمی حرکت کرده و همزمان خاطرات خود را از اولین کوه شان بازگو می‌کنند، آقای نوری خلنو، خانم مقدم سن بران و آقای ثامنی دارآباد.

ساعت ۲۲:۳۰ به قله رسیدیم . پناهگاه کاملاً پر شده بود و بیرون آن نیز چندین چادر بر پا بود.

هوا بسیار سرد بود، دوستان با پربایی چادر ها و آماده نمودن شام و چای لحظات گرمی را در هوای سرد خلق کردند. من بسیار بهتر بودم ولیمو ترش ها ، برایم شیرینی لذت صعود را به همراه آوردند.



ساعت ۷ از خواب برخاستیم و پس از صرف صبحانه و جمع آوری چادرها و گرفتن عکس یادگاری به سرقدمی خانم مقدم به سمت لزون حرکت کردیم. آقای نوری به دلیل همراه نداشتن کیسه خواب گویا شب سردی را پشت سر گذاشته بود به همین دلیل صبح زود ساعت ۷ از مسیر تله کابین برگشته بود.

مسیر بازگشت بسیار زیبا بود. عبور از میان دشت زیبای پیازچال، دیدن چندین اسب زیبا برای همه ی ما بسیار جالب بود. ساعت ۱۲:۳۰ به اردوگاه کولکچال رسیدیم. در مسیر آقای مرادی (کارمند دانشگاه که در برنامه های انجمن در طی سال تحصیلی گروه را همراهی میکنند) را نیز دیدیم.

آقای کیهان زاده نیز به دلیل اولین همراهی شان با تیم امیرکبیر، همنوردان را به صرف نوشیدنی دعوت کردند. البته من هم اولین برنامه ام بود اما قرار شد دفعه بعد مهمان کنم!

ساعت ۱۵:۳۰ به پارک جمشیدیه رسیدیم و سرپرست پایان برنامه را اعلام نمودند.

نکته جالب توجه اینکه به تازگی رانندگان محترم از سوار کردن ۷ کوهنورد خودداری می کنند و برای کوله های ایشان احترام زیادی قایل هستند. (۳ نفر + کوله = کرایه ۷ نفر)!!!

\*برنامه ی غذایی: شخصی بوده، عبارت از

شام	سوپ جو-فسنجون-الویه-خوراک مرغ
صبحانه	خامه شکلاتی-مریای آلبالو-نان-کمپوت گیلاس-چای
نهار	تن ماهی-نان
تنقلات	بیسکویت-پودر آجیل-خرما-آلبالو خشکه-شکلات-ویفر-میوه

در مسیر، تا شیر پلا که آب معدنی هم در دسترس است، در نزدیکی جانپناه امیری نیز چشمه می‌باشد اما در ادامه تا زمان بازگشت به دشت پیازچال آبی وجود ندارد.

لوازم و تجهیزات فردی و گروهی: کفش ترکینگ-باتون-پلار-گورتکس-کوله ی دوروزه-کیسه خواب-عینک آفتابی-کلاه-

۲ چادر ۴ نفره و ۱ چادر ۲ نفره-کمک های اولیه-



همنوردان همراه: به ترتیب از سمت چپ: آرش ناطقی، ۸۴ معدن (سرپرست)- مژگان مقدم، ۸۴ نساجی-شکیبا رفیعی ۸۷ پزشکی (نگارنده)- مهدی نژادقلی، ۸۶ کامپیوتر--سهراب ثامنی ۸۳ هوافضا--علی کیهان زاده، مهمان (عکاس) و مهدی نوری، ۸۴ مکانیک که ایشان در عکس نمی باشند.